

جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری

جمال رئیسی*

تاریخ دریافت: ... ۸۲/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ... ۸۲/۱۰/۲

چکیده

مقاله حاضر، خلاصه پژوهشی اجتماعی است که در زمینه علل ناهنجاری‌های رفتاری جوانان صورت گرفته است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام گرفته، جامعه آماری آن را جوانان شهرک رجایی شهر کرج تشکیل می‌دادند. چارچوب نظری پژوهش را نیز نظریه‌های آنومی، کنترل اجتماعی، علقه خانوادگی، ارتباطات نسبی، و برجسب‌زنی تشکیل می‌داد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ضعف کنترل اجتماعی و علقه خانوادگی ضعیف، ارتباط با دوستان ناهنجار و سابقه برجسب منفی خوردن در بروز ناهنجاری‌های رفتاری جوانان مؤثرند.

واژه‌های کلیدی: ناهنجاری رفتاری، کنترل اجتماعی، علقه خانوادگی، برجسب منفی،

آنومی

مقدمه

کشور ما صاحب یکی از جوان‌ترین جمعیت‌هاست، به طوری که نزدیک به نیمی از افراد آن کم‌تر از نوزده سال و حدود $\frac{2}{3}$ کم‌تر از ۳۵ سال سن دارند. این ارقام، خود، بیش از هر گفتاری، بیانگر ضرورت توجه جدی و فوری به جوانان و برنامه‌ریزی علمی و دقیق برای آموزش و پرورش بهینه، اشتغال مفید و مولد و به ویژه انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی به آن‌هاست، موضوعی که از آن با عنوان «جامعه‌پذیری» (socialization) یاد می‌شود و مایه دوام و قوام جامعه است.

متأسفانه، امروز شاهدیم که ناهنجاری‌های رفتاری جوانان روز به روز گسترده‌تر می‌شود و نرخ بزهکاری‌ها و قانون‌شکنی‌های آن‌ها پیوسته فزونی می‌یابد. یکی از مهم‌ترین عوامل این عارضه، روند نامطلوب جامعه‌پذیری نسل جوان است. فرآیندی که جز با مشارکت واقعی خانواده‌ها و متولیان امور فرهنگی جامعه سامان نمی‌پذیرد. بی‌تردید، برای رفع عارضه یاد شده، در ابتدا باید علل و عوامل آن را به درستی شناخت. پژوهش حاضر، گامی هرچند کوتاه در این راه است.

بیان مسئله

«بررسی زمینه‌ها و علل ناهنجاری‌های رفتاری جوانان شهرک رجایی‌شهر شهرستان کرج»، موضوع پژوهش مورد بحث است. در واقع، در این پژوهش، ناهنجاری‌های رفتاری جوانان شهرک یاد شده به مثابه «متغیر وابسته» (dependent variable) یا «متبیین» (explanandum) و زمینه‌ها و علل بروز این ناهنجاری‌ها به مثابه «متغیر مستقل» (independent variable) یا «مبیین» (explanan) مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه «هنجار» از نظر لغوی به معنای «راه و روش و طریق و طرز و قاعده و قانون» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۵۹) و در عرف عام، به معنای طبیعی و مطابق انتظار، در مقابل غیرطبیعی و

خلاف انتظار است. از منظر جامعه‌شناسی، هنجارها، الگوها و قواعد رفتاری به نسبت عام و پایدار و ارزشمند و مورد قبول اکثریت اعضای جامعه است که همه اعضا باید رفتارهای خود را با آن‌ها تطبیق دهند و هرگونه تخلف و سرپیچی از آن‌ها، با واکنش اکثریت جامعه مواجه خواهد شد. شدت وحدت این واکنش، به اهمیت هنجار نقض شده بستگی دارد.

مهم‌ترین کارکرد تبعیت از هنجارها، تأمین وفاق و انسجام اجتماعی است. زمانی که هنجارهای اجتماعی از سوی اکثریت اعضای جامعه‌ای رعایت شود، می‌توان گفت که مردم آن جامعه با هنجارهای اجتماعی هم‌نواپی دارند و رفتارهای اجتماعی آن‌ها دارای الگویی به نسبت منظم و پایدار و نیز قابل پیش‌بینی است. دیگر کارکرد مهم رعایت هنجارهای اجتماعی، به ویژه در بین نوجوانان و جوانان، جامعه‌پذیری است. حیات جامعه و تداوم نظم اجتماعی جز با طی این روند تدریجی و فراگیری گام به گام آن میسر نخواهد بود. در حقیقت، نسل جوان هر جامعه‌ای با درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی، به صورتی آگاهانه یا حتی ناآگاهانه، خود را با نظم معهود اجتماعی هماهنگ می‌سازد و حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشد.

واقعیت زندگی اجتماعی نشان می‌دهد که وضع همیشه این‌گونه نیست. به عبارت دیگر، تاریخ زندگی اجتماعی بشر گویای آن است که همواره و در همه جا افرادی از رعایت قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی سرباز زده و آن‌ها را نقض کرده‌اند. رفتارهای ناخوشایندی که از آن‌ها با عنوان «ناهنجاری‌های اجتماعی» یاد می‌شود، به نسبت بزرگتر و پیچیده‌تر شدن جوامع، فزونی یافته و در بعضی از آن‌ها به صورت حاد و مشکل‌آفرین درآمده است. این پدیده و مسئله اجتماعی، به ویژه در کشور ما که از سویی دارای جمعیتی بسیار جوان و از سوی دیگر دستخوش تغییرات اجتماعی و فرهنگی شدیدی است، توجهی عمیق و اساسی را می‌طلبد.

هدف‌های پژوهش

ارتقای معرفت علمی نسبت به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و ایضاح ابعاد ناشناخته

یا کم‌تر شناخته شده این موضوع، از مهم‌ترین هدف‌های نظری و شناخت زمینه‌ها و علل رفتارهای ناهنجار جوانان، کمک به پیشگیری یا کاهش این رفتارها، امحا یا تضعیف عوامل تسهیل‌کننده و مساعد و تقویت عوامل بازدارنده و نامساعد این رفتارها، کمک به هم‌نوایی هر چه بیش‌تر جوانان با هنجارهای اجتماعی و جامعه‌پذیری مطلوب، زمینه‌سازی برای همبستگی بیش‌تر جوانان با جامعه و تقویت وفاق و انسجام اجتماعی، از مهم‌ترین هدف‌های کاربردی و عملی این پژوهش به شمار می‌آید.

اهمیت و ضرورت پژوهش

موضوع نقض هنجارهای اجتماعی و تخلف از آن‌ها به صورت فردی و گروهی، در همه جوامع، سنتی یا مدرن، و در همه سنین، پیری یا جوانی، با درجات متفاوتی مطرح بوده و هست و درصد اندک و به نسبت ثابتی از آن در همه جوامع، نه تنها جنبه‌ای طبیعی و بهنجار دارد، بلکه لازمه بهگشت جامعه است، ولی آن چه دورکیم هم از آن چون امری غیرطبیعی و ناهنجار یاد می‌کند، نسبت زیاد آن در بعضی جوامع و در مقاطعی خاص است (Vold & Bernard, 1986:146).

متأسفانه، آمارهای رسمی و غیررسمی و پیدا و پنهان رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه در کشور نشان‌دهنده سیر صعودی این گونه رفتارها در سال‌های اخیر است. تأسف انگیزتر از آن، عمومیت یافتن این رفتارها و کاهش تدریجی سن دست‌یازیدن به آن‌ها در این سال‌هاست. واقعیت تلخ یاد شده و واقعیت‌های ناخوشایند مشابه (اعتیاد، سرقت و ...) توجه هرچه بیش‌تر مسئولان و متولیان فرهنگی و اجتماعی کشور را طلب می‌کند. با توجه به روند فزاینده این مسائل، چنانچه به نحو شایسته‌ای بدان‌ها توجه نشود، در آینده‌ای نه‌چندان دور با بحرانی بزرگ در عرصه فرهنگ و اجتماع مواجه خواهیم بود. بی‌تردید، هرگونه اقدام عملی در زمینه پیشگیری از این مسائل، مستلزم شناخت علمی زمینه‌ها و عوامل آن‌هاست. چیزی که جز با

پژوهشی روشمند حاصل نخواهد شد.

مبانی نظری

دیدگاه‌ها و نظریه‌های موجود

به مسئله ناهنجاری رفتاری یا کجروی از سه منظر متفاوت زیست شناختی، روان‌شناختی و جامعه شناختی، که به ترتیب ناظر بر ابعاد سه‌گانه زیستی، روانی و اجتماعی حیات انسانی است، نگریده شده است. نظریه‌های زیست شناختی به ساخت جسمانی انسان و رابطه آن با ناهنجاری رفتاری می‌پردازد و به نقش وراثت در انتقال کجرفتاری توجهی خاص دارد. نظریه‌های روان‌شناختی می‌کوشد بین ناهنجاری‌های رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی و روانی انسان رابطه برقرار کند و نظریه‌های جامعه شناختی نیز نقش عوامل محیطی و اجتماعی را در شکل‌گیری رفتارهای ناهنجار عمده می‌سازد. امروزه، تبیین زیست شناختی ناهنجاری‌های اجتماعی در نزد صاحب‌نظران از اعتبار چندانی برخوردار نیست و نظریه‌های روان شناختی نیز نمی‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی، به مثابه مسئله‌ای اجتماعی، را به درستی تبیین کند. به گفته دورکیم، پدیده (در اینجا، مسئله) اجتماعی را باید با عوامل اجتماعی تبیین کرد و فروکاستن (reduction) آن به سطوح روانی و زیستی جایز نیست. از این رو، در پژوهش حاضر، با نگاه به ناهنجاری‌های رفتاری جوانان به مثابه مسئله‌ای اجتماعی، کوشش شد تا ابعاد مختلف این عارضه به کمک نظریه‌های مختلف جامعه شناختی، که هر یک بعد یا ابعادی خاص از آن را کاویده است، تبیین شود. بدیهی است، پرداختن به تمامی نظریه‌های موجود در این زمینه و کاوش همه جوانب موضوع مورد بررسی، فراتر از توان و مجال نگارنده بود. بنابراین، از بین نظریه‌های موجود، تنها از نظریه آنومی دورکیم و مرتون، نظریه ارتباطات نسبی ساترلند، نظریه کنترل اجتماعی ایوان‌نای، نظریه گروه مرجع نیوکمب، نظریه علقه اجتماعی هیرشی و نظریه برچسب زنی بکر استفاده شد.

نظریه آنومی دورکیم و مرتون

به رغم پیچیدگی نظریه دورکیم درباره جرم و رفتارهای جنایی، افکار او نفوذ بسیاری در مباحث جرم شناختی داشته است. دورکیم در تعریف جرم می‌گوید: «جرم، به معنای جامعه شناختی کلمه، چیزی نیست جز کرداری که وجدان جمعی آن را ممنوع می‌داند. گفتن اینکه کسی از لحاظ جامعه شناختی مجرم است، متضمن این نیست که وی نسبت به خدا یا نسبت به طرز تلقی خاص خود از عدالت، گناهکار است. مجرم، کسی است که در جامعه معین از قواعد مدنی جامعه سرپیچی کرده است» (آرون، ۱۳۶۴: ۳۵۲).

به نظر دورکیم، همان طور که جامعه به سمت ارگانیک شدن پیش می‌رود، هنجارهای اجتماعی مستقر تضعیف می‌شود و قدرت تنظیم‌کنندگی خود را از دست می‌دهد و جامعه دچار شکلی خاص از نابسامانی و آشفتگی ارزشی می‌شود که دورکیم آن را آنومی (anomie) می‌نامد. آنومی، زمینه‌ساز انواع مختلف ناهنجاری‌های اجتماعی است (Vold & Bernard, 1986: 146).

مرتون، استدلال می‌کند که در هر جامعه‌ای، هدف‌های به طور فرهنگی تعریف شده و ابزارهای قانونی متفاوتی برای دستیابی به این هدف‌ها وجود دارد. نرخهای بالای انحراف زمانی ظاهر می‌شود که راههای قانونی رسیدن به هدف‌های مورد نظر محدود است (Turners, 1994: 195).

نظریه ارتباطات نسبی ساترلند

هسته مرکزی نظریه ساترلند این است که رفتار انحرافی نیز، همچون سایر رفتارهای اجتماعی، در آمیزش با دیگران آموخته می‌شود. به عبارت دیگر، مردم همان طور که در مصاحبت و معاشرت با افرادی که به هنجارها احترام می‌گذارند، به رعایت هنجارها ترغیب و متمایل می‌شوند؛ در هم‌صحبتی و همنشینی با افراد منحرف و کجرو، به سمت رفتارهای

انحرافی سوق می‌یابند. بنابراین، هر فردی در طول حیات خود و در ارتباط با دیگران، ارزش‌ها و هنجارها را فرامی‌گیرد، اما جهت این فراگیری (اطاعت از هنجارها و قوانین و یا سرپیچی از آنها) بستگی به آن دارد که آنها را از که می‌آموزد. ساترلند متذکر می‌شود که ارتباطات از نظر فراوانی، مدت، تقدم و تأخر و شدت با هم متفاوت است و اثری متفاوت برجای می‌گذارد (Traub & Little, 1975: 110).

نظریه کنترل اجتماعی نای

نظریه کنترل اجتماعی، تبیین رفتارهای انحرافی را با این انگاره آغاز می‌کند که انگیزه رفتارهای کجروانه، بخشی از ماهیت انسان است. به بیان دیگر، انسان به طور ذاتی کجرو است و اگر امیال و آرزوهایش محدود نشود، به طور طبیعی ممکن است به انحراف کشیده شود. ایوان نای معتقد است که مهم‌ترین عامل رفتار بزهکارانه، ناکافی بودن کنترل اجتماعی است. کنترل اجتماعی، مفهوم گسترده‌ای است که کنترل‌های مستقیم اعمال شده از طریق ابزارها و وسایل بازدارنده و مجازات‌ها، کنترل درونی یا آن چه وجدان نامیده می‌شود، کنترل غیرمستقیم مرتبط با سیمای ظاهری و رفتار والدین و دیگران و نیز ابزارهای مشروع و قابل دسترسی ارضای نیازها را شامل شود (Vold & Bernard, 1986: 235).

نظریه گروه مرجع نیوکمب

نظریه گروه مرجع، توجهش را به همه گروه‌هایی که افراد به سوی آنها جهت می‌یابند، معطوف می‌سازد. گروه مرجع، گروهی است که چشم‌اندازش چارچوب مرجع‌کنشگر را تشکیل می‌دهد، بدون این که او الزاماً آرزوی پیوستن بدان را داشته باشد. نیوکمب بین گروه‌های مرجع مثبت - که فرد انگیزه یا اشتیاق پذیرفته شدن در آنها را دارد - و گروه‌های مرجع منفی - که فرد نمی‌خواهد با او همچون عضوی از آنها رفتار شود و در مقابلشان

می‌ایستد - تمایز قائل می‌شود. نوجوان ممکن است در بیش‌تر تصمیم‌گیری‌های خانواده‌اش سهیم باشد، اما با بعضی از تصمیمات خانواده درباره انتخاب دوستانش و ... موافق نباشد. بنابراین، در آن موارد خاص، خانواده برای او گروه مرجع منفی محسوب می‌شود (Smith, 1995:164).

نظریهٔ علقهٔ اجتماعی هیرشی

نظریهٔ علقهٔ اجتماعی هیرشی نقش متغیرهای خانوادگی را برجسته می‌سازد. او می‌گوید کسی که علقه اجتماعی محکمی به گروه‌های اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه دارد، به احتمال کم‌تری دست به اعمال بزهکارانه می‌زند. وی استدلال می‌ورزد که هرچه فرد به خانواده و محیط بیش‌تر احساس وابستگی کند، احتمال کجروی‌اش کم‌تر خواهد بود؛ هرچه تعهدات اجتماعی‌اش بیش‌تر باشد، به احتمال کم‌تری به رفتارهای ناهنجار دست خواهد زد و هرچه در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و ... جامعه درگیرتر و مشغول‌تر باشد، فرصت کم‌تری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجار خواهد داشت. همچنین، افراد معتقد به پایبند به اصول و قواعد اخلاقی، کم‌تر از کسانی که اعتقاد و پایبندی چندانی به این اصول ندارند، از مقررات و قوانین تخطی می‌کنند (Hagan, 1988: 165-166).

نظریهٔ برچسب زنی بکر

هوارد بکر عقیده دارد که «گروه‌های اجتماعی از طریق وضع قوانینی که نقض آن‌ها به انحراف می‌انجامد و با به‌کاربردن آن قوانین در مورد افرادی خاص و برچسب زدن بدان‌ها، انحراف را به وجود می‌آورند» (صفوی، ۱۳۷۰: ۵۸). وی سپس آثار برچسب را بر فرد مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر او هر برچسب، نوعی ارزیابی از شخصی است که به او برچسب زده شده است. این برچسب، تمام موقعیتهای فرد را متأثر می‌سازد. چنان‌چه به فردی برچسب

تبهکار، بیمار روانی یا همجنس باز زده شود، دیگران با او برحسب برجسبی که خورده است، رفتار می‌کنند. در نتیجه، فرد پس از مدتی خود را همان گونه می‌پندارد که برجسبش بیان می‌دارد. برجسب‌های منفی ممکن است به طرد فرد از گروه‌های اجتماعی بینجامد و او را از خانواده و دوستانش بگسلد. همچنین، ممکن است موجب از دست رفتن شغل فرد و یا اخراج او از محل سکونتش شود. این برخوردها می‌تواند انحراف او را تثبیت یا تعمیق کند. بکر می‌گوید پیشه فرد منحرف هنگامی کامل می‌شود که او به گروه منحرف سازمان یافته‌ای بپیوندد (Hagan, 1985:205).

چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود درباره ناهنجاری‌های رفتاری و به ویژه نظریه‌های آنومی، ارتباطات نسبی، کنترل اجتماعی، گروه مرجع، علقه اجتماعی و برجسب زنی، «ناهنجاری‌های رفتاری جوانان شهرک رجایی شهر شهرستان کرج» به مثابه متغیر وابسته و «ارزیابی از میزان طبیعی یا آنومیک بودن جامعه»، «میزان ناهنجاری رفتاری دوستان و معاشران جوانان»، «میزان کنترل خانوادگی»، «ماهیت گروه مرجع جوانان»، «میزان علقه خانوادگی» و «برجسب منفی خوردن یا نخوردن و نوع و میزان برجسب» و عوامل دیگری چون ویژگی‌های فردی (جنس، سن و وضع درسی یا کاری) جوانان، منزلت اجتماعی پدرانشان، میزان مذهبی بودن آن‌ها، والدین و دوستانشان و نحوه گذران اوقات فراغت آن‌ها به مثابه متغیرهای مستقل، چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. براساس چارچوب یاد شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با ویژگی‌های فردی (جنس، سن و وضع درسی یا کاری) آن‌ها رابطه دارد.
- ۲) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با منزلت اجتماعی (سطح تحصیلات، ارزش شغلی و

میزان درآمد) پدرانشان رابطه دارد.

۳) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان علقه خانوادگی آنها رابطه دارد.

۴) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان نظارت والدین بر رفتار آنها رابطه دارد.

۵) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان مذهبی بودن آنها، والدین و دوستانشان

رابطه دارد.

۶) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان ناهنجاری رفتاری دوستانشان رابطه دارد.

۷) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با ماهیت گروه مرجع آنها رابطه دارد.

۸) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با نحوه گذراندن اوقات فراغت آنها رابطه دارد.

۹) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با سابقه برچسب منفی خوردن و نوع و میزان آن

رابطه دارد.

۱۰) احتمالاً ناهنجاری رفتاری جوانان با نوع ارزیابی آنها از وضع جامعه (از لحاظ طبیعی

یا آنومیک بودن) رابطه دارد.

روش شناسی

تعریف مفاهیم

تعریف نظری و عملیاتی (کاربردی) متغیر وابسته

زمینه ناهنجاری رفتاری

برای تعریف زمینه‌ها و علل ناهنجاری رفتاری، ابتدا باید هنجار را تعریف کرد. هنجار (norm)، الگوی استاندارد شده رفتار و کردار و نشان دهنده رفتار ایده‌آل یا مطلوب افراد جامعه است (ستوده، ۱۳۷۲: ۱۹). بنابراین، زمینه ناهنجاری رفتاری، شرایط مساعد یا نامساعد ذهنی و روحی و روانی افراد (ناشی از عوامل مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی) برای تخطی از این الگوهاست. این مفهوم به روش لیکرت و با دوازده گویه و طیفی پنج گزینه‌ای از کاملاً

موافق تا کاملاً مخالف مورد سنجش قرار گرفت (البته، تعداد گویه‌ها در ابتدا شانزده قلم بود که چهار قلم از آن‌ها پس از پیش‌آزمون حذف شد). در واقع، فرض بر این بود که هرچه پاسخگویان با گویه‌های معرف رفتارهای ناهنجار توافق بیشتری داشته باشند، از زمینه بیشتری برای دست‌یازیدن به این‌گونه رفتارها برخوردارند. گویه‌های ناهنجاری به شرح زیر بود:

- آدم باید به هر قیمتی شده گلیم خودش را از آب بیرون بکشد.
- قوانین همیشه دست و پاگیرند و اگر انسان بخواهد آن‌ها را رعایت کند، از زندگی عقب‌می‌افتد.

- آدم باید هر طور دلش خواست، لباس بپوشد.
- گاهی اوقات کشیدن کمی مواد مخدر (حشیش و ...) یا خوردن کمی مشروب می‌تواند فشارهای روحی آدم را کاهش دهد.

- ظاهر و سر و وضع جوانان باید مطابق مد روز باشد.
- در دنیای پیشرفته امروز، تماس و معاشرت دخترها و پسرها امری طبیعی و ضروری است.

- در دنیای امروز دیگر نمی‌شود خیلی به صداقت و راستگویی، حلال و حرام و ... فکر کرد و بها داد.

- سرعت زیاد در رانندگی، گوش دادن به آهنگ تند و ... راهی برای تخلیه هیجانات دوره جوانی است.

- آدم گاهی اوقات باید دل و جرأت انجام کارهای خلاف (قانون، عرف و ...) را هم داشته‌باشد.

- برای جوانی به سن ما، گذراندن یکی، دو شب خارج از خانه موضوعی عادی است.

- موقعی که آدم به پول احتیاج دارد، برداشتن کمی از پول دیگران خیلی مهم نیست.

- تو این دو روز دنیا آدم باید هر طور می‌تواند شاد باشد و خوش بگذراند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل

شرایط آنومیک جامعه

آنومی، «بی‌هنجاری»، «بی‌قانونی» و «آشفته‌گی اجتماعی» است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۹). این متغیر به وسیله طیف برش قطبین و هشت گویه^{***} پنج گزینه‌ای مورد بررسی تجربی قرار گرفت.

میزان مذهبی بودن

منظور از میزان مذهبی بودن، میزان اعتقاد و پایبندی به فرایض و شرکت در مراسم مذهبی است. این متغیر در مورد افراد مورد بررسی، والدین و دوستانشان با دو سؤال در مورد میزان اعمال مذهبی و نیز میزان شرکت در مراسم مذهبی و طیفی پنج گزینه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم سنجیده شد.

میزان ناهنجاری رفتاری دوستان

منظور از آن، میزان نقض هنجارهای اجتماعی توسط دوستان پاسخگویان است. این مفهوم با سؤال از پاسخگویان در مورد میزان مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروب و نیز قماربازی و رابطه جنسی نامشروع دوستانشان و طیفی سه گزینه‌ای از کم تا زیاد مورد سنجش قرار گرفت.

*** مشابه گویه‌های مربوط به متغیر وابسته

نظارت و کنترل خانوادگی

کنترل و نظارت، مجموعه عوامل محسوس و نامحسوس است که والدین برای حفظ معیارهای خود به کار می‌برند و، در واقع، نوعی اعمال فشار بر فرزندان برای ایجاد هم‌نوایی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و انحرافهای رفتاری آن‌هاست. این متغیر با سه سؤال در مورد میزان شناخت پدر و مادر از دوستان فرزندان خود، طرز رفتار آن‌ها و ... و طیفی پنج‌گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

علقه خانوادگی

علقه خانوادگی عبارت از احساس پیوستگی، تعلق، توافق و تفاهم در بین اعضای خانواده است. این متغیر با پرسش‌هایی در مورد میزان تفاهم اعضای خانواده با هم، میزان طرح مشکلات و مشورت فرزندان با والدین، میزان مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و میزان اهمیت قائل شدن والدین برای نظرهای فرزندان سنجیده شد.

گروه مرجع

گروه مرجع، گروهی است که افراد خود را با آن مقایسه و با استانداردهای آن ارزیابی می‌کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۳۳). این متغیر با پرسشی مستقیم از پاسخگویان در این زمینه و گزینه‌هایی در سطح اسمی سنجیده شد.

برچسب

برچسب، نوعی ارزیابی شخصیتی است که در قالب صفاتی مثبت یا منفی به افراد نسبت داده می‌شود. این مفهوم با پرسش‌هایی مستقیم درباره سابقه برچسب منفی خوردن، نوع برچسب‌ها، میزان برچسب خوردن و برچسب زندگان مورد سنجش قرار گرفت.

نحوه گذران اوقات فراغت

منظور از آن، نحوه استفاده از زمانی است که فرد فارغ از کار و وظایف روزمره زندگی و خواب، می تواند به طور دلخواه سپری سازد. این مفهوم نیز با پرسشی مستقیم و گزینه‌هایی در سطح اسمی سنجیده شد.

منزلت اجتماعی پدران

منظور از منزلت اجتماعی، پایگاهی اجتماعی است که فرد برحسب میزان تحصیلات، ارزش شغلی و میزان درآمد اقتصادی از آن برخوردار است. این مفهوم با پرسش‌هایی درباره متغیرهای اشاره شده مورد سنجش قرار گرفت.

ویژگی‌های فردی

ویژگی‌های فردی، صفاتی است که از فردی به فرد دیگر متغیر است و این تفاوت می تواند منشأ و موجد تفاوت‌هایی در طرز رفتار انسان باشد. این مفهوم با پرسش‌هایی درباره سن و وضع تحصیلی یا کاری افراد مورد بررسی سنجیده شد (ترکیب جنسی پاسخگویان از قبل مشخص شده بود).

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دختران و پسران ۱۷ تا ۲۶ ساله شهرک رجایی شهر شهرستان کرج تشکیل می‌دادند. حجم نمونه مورد بررسی نیز معادل ۲۰۰ نفر بود، ۱۰۰ نفر پسر و ۱۰۰ نفر دختر. نمونه‌گیری به شیوه اتفاقی (accidental) (از انواع روش نمونه‌گیری غیر احتمالی) انجام شد، بدین صورت که در هر گروه جنسی، نیمی (۵۰ نفر) با پوشش، آرایش، رفتار و گفتار معمولی و متعارف و نیمی دیگر با پوشش، آرایش، رفتار و گفتار غیر معمولی و

نامتعارف در پارکها و دیگر مکان‌های عمومی شهرک مورد بررسی انتخاب شدند. دلیل استفاده از این روش، افزایش احتمال وجود جوانان ناهنجر در حجم نمونه بود، چراکه اگر نمونه‌گیری به روش احتمالی و به شیوه تصادفی (random) در سطح شهرک صورت می‌گرفت، این احتمال وجود داشت که جوانان ناهنجر به تعداد کافی در نمونه قرار نگیرند. معنادار بودن تفاوت میانگین زمینه ناهنجاری رفتاری در دو گروه، صحت عملکرد نگارنده را تأیید کرد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- مقایسه میانگین زمینه ناهنجاری رفتاری در بین افراد به ظاهر بهنجر و افراد به ظاهر نابهنجر

ظاهر	میانگین ناهنجاری	تعداد	خطای استاندارد
بهنجر	۳۱/۴۱	۹۶	۷/۲۵
ناهنجر	۳۶/۱۸	۹۶	۶/۶۸
کل	۳۳/۷۹	۱۹۲	۷/۳۵

$t = -۴/۷۴$

$df = ۱۹۰$

$Sig = ۰/۰۰۰$

روش جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات

به تبع روش کلی پژوهش (که پیمایشی بود)، برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از تکنیک پرسشگری و ابزار پرسشنامه استفاده به عمل آمد، بدین نحو که پرسشنامه‌ها در ابتدا در گروه کوچکی (به تعداد ۴۰ نفر معادل ۲۰ درصد حجم نمونه) از جامعه آماری، پیش‌آزمون (pre-test) و پس از اصلاحات لازم و حصول اطمینان از روایی (validity) و پایایی (reliability) پرسش‌ها و گویه‌های مورد استفاده، به کل افراد نمونه ارائه و توسط آن‌ها تکمیل شد. شایان ذکر است که ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های مربوط به متغیر وابسته، ۰/۹۰ و ضرایب مربوط به دیگر گویه‌ها و شاخصها (علقه خانوادگی، نظارت و کنترل خانوادگی و

آنومیک بودن جامعه) نیز همگی بیش از ۷۰٪ بود که از نظر آماری معنادار محسوب می‌شود. اطلاعات به دست آمده نیز در ابتدا در قالب جداول توزیع فراوانی، توصیف و سپس با استفاده از جداول تقاطعی و آزمون ناپارامتری X^2 ، ضرایب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و آزمون t و رگرسیون چند متغیری تحلیل شد.

مشخصات پاسخگویان

بیش از نیمی از پاسخگویان هفده تا نوزده سال سن داشتند و بیش از $\frac{1}{3}$ آن‌ها دانش‌آموز و نزدیک به همین تعداد، دانشجو بودند. بیش از نیمی از پدران پاسخگویان منزلت اجتماعی پایینی داشتند. نزدیک به $\frac{2}{5}$ پاسخگویان از علقه خانوادگی قوی و بیش از این تعداد نیز از علقه خانوادگی متوسطی برخوردار بودند و بیش از نیمی از آن‌ها نظارت خانواده بر خویش را زیاد ذکر می‌کردند. مادران از پدران و دختران از پسران مذهبی‌تر بودند و گرایش مذهبی دوستان پاسخگویان هم نسبتاً ضعیف بود. بیش از نیمی از پاسخگویان دوست یا دوستانی ناهنجار داشتند و در بین آن‌ها نسبت پسران ناهنجار بیش‌تر از دختران ناهنجار بود. اولین گروه مرجع پاسخگویان، ورزشکاران بودند. نزدیک به نیمی از پاسخگویان اوقات فراغتشان را بیش‌تر با دوستان و در خارج از خانه سپری می‌کردند و بیش از $\frac{1}{3}$ آن‌ها بالغ بر پنج ساعت از اوقات فراغت روزانه خود را خارج از خانه می‌گذراندند. نزدیک به نیمی از افراد مورد بررسی سابقه برچسب منفی خوردن داشتند و نزدیک به نیمی از این برچسب‌ها تند بود. بیش از $\frac{2}{3}$ پاسخگویان جامعه را در حد بالایی آنومیک ارزیابی می‌کردند و بیش از $\frac{3}{4}$ آن‌ها زمینه متوسطی برای انحراف و دست‌یازیدن به رفتارهای ناهنجار داشتند.

یافته‌های پژوهش (فرضیه‌های تأیید شده)

بین زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با نحوه گذران اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد و

کسانی که اوقات فراغت خود را در خارج از خانه و با دوستانشان سپری می‌کنند، بیش‌ترین و کسانی که این اوقات را در خانه و با خانواده می‌گذرانند، کم‌ترین زمینه ناهنجاری را دارند (تأیید فرضیه شماره ۸) (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲ - رابطه زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با نحوه گذران اوقات فراغت آنها

جمع	با دوستان خارج از خانه		تنها خارج از خانه		تنها در خانه		در خانه با خانواده		زمینه ناهنجاری فراغت
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۴۲	۱۶	۱۳	۱۳	۳	۲۶	۸	۵۳	۱۸	کم
۶۴	۳۴	۲۷	۵۲	۱۲	۳۷	۱۲	۳۸	۱۳	متوسط
۶۳	۵۰	۴۰	۳۵	۸	۳۷	۱۲	۹	۳	زیاد
۱۶۹	۸۰		۲۳		۳۲		۳۴		جمع

$$X^2 = ۲۶/۹۷$$

$$df = ۶$$

$$sig = ۰/۰۰۰$$

زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان علقه خانوادگی همبستگی معکوس کمی دارد. در واقع، هرچه علقه خانوادگی بیش‌تر، زمینه ناهنجاری کم‌تر (تأیید فرضیه شماره ۳) (جدول شماره ۳).

زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با نظارت خانوادگی والدین همبستگی معکوس کمی دارد. به عبارت دیگر، هرچه نظارت خانوادگی والدین بیش‌تر شود، زمینه ناهنجاری فرزندان کاهش می‌یابد (تأیید فرضیه شماره ۴) (جدول شماره ۳).

بین زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان و میزان مذهبی بودن والدین همبستگی معکوس کم و بین زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان مذهبی بودن آنها و دوستانشان همبستگی

معکوس متوسطی وجود دارد. در واقع، با افزایش میزان مذهبی بودن در گروه‌های یاد شده، زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان رو به کاهش می‌گذارد (تأیید فرضیه شماره ۵) (جدول شماره ۳).
زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با ناهنجاری رفتاری دوستانشان همبستگی معکوس متوسطی دارد. به عبارت دیگر، هرچه ناهنجاری رفتاری دوستان بیشتر باشد، بر زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان افزوده خواهد شد (تأیید فرضیه شماره ۶) (جدول شماره ۳).

بین زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با میزان درآمد پدرانشان همبستگی مستقیم کمی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان درآمد پدران بیشتر، زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان فزون‌تر (تأیید فرضیه شماره ۲) (جدول شماره ۳).

زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با مدت گذران اوقات فراغت خارج از خانه آن‌ها همبستگی مستقیم کمی دارد. در واقع، هرچه مدت گذران اوقات فراغت خارج از خانه طولانی‌تر، زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان بیشتر (تأیید فرضیه شماره ۸) (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳- همبستگی (پیرسون) زمینه ناهنجاری رفتاری افراد مورد بررسی با متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان علقه خانوادگی	-۰/۲۷۰	۰/۰۰۱
میزان نظارت خانوادگی	-۰/۱۶۱	۰/۰۵
میزان مذهبی بودن فرد	-۰/۴۷۶	۰/۰۰۱
میزان مذهبی بودن والدین	-۰/۲۲۳	۰/۰۱
میزان مذهبی بودن مادران	-۰/۲۶۵	۰/۰۰۱
میزان مذهبی بودن دوستان	-۰/۴۳۶	۰/۰۰۱
میزان ناهنجاری رفتاری دوستان	-۰/۴۹۹	۰/۰۰۱
میزان درآمد پدران	۰/۱۵۶	۰/۰۵
مدت گذران اوقات فراغت خارج از خانه	۰/۲۵۵	۰/۰۰۱

جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری / ۱۵۳

بین زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان و نوع جنس آن‌ها رابطه وجود دارد و دختران، نسبت به پسران، زمینه کم‌تری برای دست زدن به رفتارهای انحرافی دارند (تأیید فرضیه شماره ۱) (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴ - مقایسه میانگین زمینه ناهنجاری رفتاری بین دختران و پسران

جنس	میانگین ناهنجاری	تعداد	خطای استاندارد
دختر	۳۲/۶۴	۹۶	۷/۲۵
پسر	۳۴/۹۵	۹۶	۷/۳۱
کل	۳۳/۷۹	۱۹۲	۷/۳۵

$$t = ۲/۲۰$$

$$df = ۱۹۰$$

$$sig = ۰/۰۳$$

زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان با سابقه برچسب منفی خوردن آن‌ها رابطه دارد و کسانی که چنین سابقه‌ای دارند، از زمینه بیش‌تری برای دست یازیدن به رفتارهای انحرافی برخوردارند (تأیید فرضیه شماره ۹) (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵ - مقایسه میانگین زمینه ناهنجاری رفتاری بین برچسب (منفی) خورده‌ها و غیر

برچسب خورده‌ها

برچسب خوردن	میانگین ناهنجاری	تعداد	خطای استاندارد
بلی	۳۵/۲۱	۸۴	۶/۷۷
خیر	۳۲/۷۳	۱۰۷	۷/۶۵
کل	۳۳/۸۲	۱۹۱	۷/۳۶

$$t = ۲/۳۴$$

$$df = ۱۸۹$$

$$sig = ۰/۰۲$$

۰/۴۵۱ از واریانس زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان (متغیر وابسته) متأثر از میزان ناهنجاری رفتاری دوستان، میزان مذهبی بودن مادران و میزان علقه خانوادگی آنهاست. هرچند، در این میان، تأثیر اصلی و نقش اساسی از آن میزان ناهنجاری دوستان است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶ - خلاصه مدل‌های رگرسیونی

شماره مدل	متغیر مستقل	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	میزان ناهنجاری رفتاری دوستان	۰/۵۴۶	۰/۲۹۸	۰/۲۸۰	۷/۰۵
۲	میزان ناهنجاری رفتاری دوستان و میزان مذهبی بودن مادران	۰/۶۱۹	۰/۳۸۳	۰/۳۵۰	۶/۷۰
۳	میزان ناهنجاری رفتاری دوستان، میزان مذهبی بودن مادران و میزان علقه خانوادگی	۰/۶۷۱	۰/۴۵۱	۰/۴۰۶	۶/۴۰

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش و تجربیات به دست آمده، پیشنهادها و راهکارهایی به شرح زیر برای امحا یا دست کم کاهش زمینه‌های ناهنجاری رفتاری جوانان ارائه می‌شود.

پیشنهادهایی به مسئولان و دولتمردان

- کاهش زمینه‌های بروز آنومی و آشفتگی اجتماعی در سطح جامعه از طریق تدوین و تنظیم برنامه‌های علمی و روشمند و نظارت دقیق و مستمر بر حسن اجرای آن‌ها.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای اشتغال، تحصیل، ورزش، تفریح و ... برای همه جوانان، دختر و پسر، شهری و روستایی، دارا و ندار.
- استفاده از زبان ملایم و محبت‌آمیز در برخورد با جوانان و به کارگیری عوامل تشویقی و سیاست‌های ایجابی به جای استفاده از عوامل تهدیدی و سیاست‌های سلبی در آموزش و ارشاد آن‌ها.
- مشارکت دادن هرچه بیش‌تر جوانان در تصمیم‌گیری‌ها و امور اجتماعی از طریق تقویت و تعمیم نهادهای مدنی و سازمانهای غیردولتی.

پیشنهادهایی به خانواده‌ها

- ایجاد رابطه گرم و صمیمی با جوانان و تقویت پیوندهای خانوادگی از طریق توجه به خواسته‌های جوانان، اهمیت قائل شدن برای نظرشان و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی.
- نظارت دقیق و مستمر، ولی در حد مقدر بدون مزاحمت و دوردور، بر گفتار و رفتار فرزندان (نحوه آمد و رفت، وضع درسی، هویت دوستان و ... آن‌ها).
- تقویت روح ایمان و باورهای دینی، که بهترین پشتوانه‌های اخلاق محسوب می‌شود، در آن‌ها به صورتی غیرمستقیم و همراه با ارائه الگوهای عملی.
- صرف وقت بیش‌تر با جوانان و توجه بیش‌تر به آن‌ها.

منابع

- آرون، ریمون. *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
- دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه دهخدا* (جلد پانزدهم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رئیسی، جمال. *بررسی زمینه‌ها و علل ناهنجاری‌های رفتاری جوانان شهرک رجائی شهرکرج* (پژوهش منتشر نشده). تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- رفیع پور، فرامرز. *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش، ۱۳۷۸.
- ستوده، هدایت‌الله. *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: آوای نور، ۱۳۷۲.
- صدیق، رحمت‌الله. «تحلیل نظریه‌های مربوط به کجرویه‌های اجتماعی»، *تشریح علوم تربیتی*. دانشکده علوم تربیتی، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۳۶۷.
- صفوی، امان‌الله. «تئوری‌های انحراف»، *رشد علوم اجتماعی*. وزارت آموزش و پرورش، شماره‌های ۶ و ۷، ۱۳۷۰.
- Hagan, John. *Modern Criminology*. McGraw Hill, Inc, 1935.
- Quay, Herbert C. *Juvenile Delinquency*. D. Van Nostrand Company, Inc, 1965.
- Smith, Caralyn & Marvin D. Krohn. "Delinquency and Family Life among Male Adolescents: The Role of Ethnicity", *Journal of Youth and Adolescence*. Vol. 24, No.1, 1995.
- Turner, Jonathan H. *Sociology: Concepts and Uses*. McGraw-Hill, Inc, 1994.

- Vold, Georg B. & Thomas Bernard. *Theoretical Criminology*. Oxford University Press, 1986.